

آشنایی با چند نقاش ایرانی و هنری در اوایل قرن یازدهم هجری

دکتر عیسی بهنام
استاد دانشکده ادبیات

آلبوم یا مرقع درمیآید .

در حقیقت نقاشی جنبه‌ی تزیینی خود را از دست داده بود و طبیعت نزدیک شده بود و در همان موقع رنگ جای خود را بخط میداد و قهرمانان نقاشی از قنடاق بیرون آمده حرکت میکردند. عبدالصمد شیرازی و میرسیدعلی تبریزی دو نقاش جوانی بودند که از راه کابل بدربار همایون‌شاه مسافرت نمودند . شیراز در تمام ادوار تاریخی ایران یکی از مراکز مهم هنر نقاشی بود و نقاشان مکتب ایلخانیان و آل‌جلایر و هرات همه از شیراز بآن محل‌ها رفته بودند .

شهر تبریز در دوران پادشاهی شاه طهماسب مرکز تجمع هنرمندان شده بود و نقاشان شیرازی که در دوران تیموری به هرات رفته بودند و همچنین بهزاد و شاگردانش پس از برافتادن حکومت هرات به تبریز آمدند و خدمت شاه طهماسب را قبول کردند و میرسیدعلی نیز یکی از شاگردان بهزاد بود .

همایون‌شاه در تاریخ ۹۵۷ هجری به میرسیدعلی دستور داد دوازده جلد کتاب امیر حمزه را مصور نماید . مصور نمودن این کتاب مدتی بطول انجامید و فقط در زمان اکبر شاه خاتمه یافت ، زیرا یکسال پس از شروع آن ، همایون‌شاه وفات یافت . میگویند در حدود ۱۴۰۰ نفر نقاش ایرانی و هندی برای مدت ۲۵ سال برای اینکار تحت نظر میرسیدعلی و بعداً عبدالصمد مشغول بودند .

از تمام پادشاهان هند ، جهانگیر بیشتر علاقه به هنر نقاشی داشت و صفحات مصور زمان خود را گردآورد و بصورت آلبوم‌ها یا مرقع‌ها درآورد . معروف‌ترین این مرقع‌ها در موزه برلین است و مرقع گلشن که در کتابخانه گلستان است نیز شهرت زیاد دارد . مرقع گلشن در سال ۱۹۳۱ به نمایشگاه هنر ایران در لندن فرستاده شده و مورد توجه دانشمندان و هنرشناسان قرار گرفت . زیباترین صفحات آن سر لوح آن است که سلطان حسین با بقرا را در باغ خود نشان میدهد و از شاهکارهای مکتب هرات است که بوسیله جهانگیر گردآوری شده و در مرقع نامبرده جای

در اوایل دوران صفویه هنر نقاشی ایران به بالاترین درجه کمال خود رسیده بود ، پس از شاهکارهای بزرگی که در هرات بوسیله بهزاد و شاگردانش بوجود آمد دیگر برای نسل‌های آینده جایی برای هنرنامه‌ی باقی نمی‌ماند و طبعاً نقاشان جوانی که در عهد شاه طهماسب میزیستند تقریباً راهی جز تقلید از کارهای استادان مکتب هرات نداشتند . با اینحال عده‌ای از نقاشان جوان ایرانی وسیله‌هایی پیدا کردند که خود را از قید تقلید بیرون آورند . یکی از این جوانان رضاء عباسی بود که خط را بر رنگ ترجیح داده با ایجاد منحنی‌های با تناسب ، سبک بخصوصی بوجود آورد که با سبک بهزاد و شاگردانش اختلاف زیاد داشت .

چند نقاش جوان دیگر بدعوت همایون‌شاه پادشاه هند بآن کشور رفتند و در آنجا اقامت دائم اختیار نمودند و در خدمت سلاطین هند درآمدند و در نتیجه‌ی این مهاجرت مکتب نقاشی مخصوصی در هندوستان بوجود آمد که فرآورده‌های آن امروز در بسیاری از موزه‌های جهان پخش میباشد و خوشبختانه در کتابخانه سلطنتی و موزه ایران باستان و هنرهای زیبای کشور تعداد زیادی از نقاشی‌های این مکتب موجود است .

یکی از خصوصیات مکتب ایران و هند این است که بقیافه واقعی و اشخاص توجه بیشتر شده باین معنی که اشخاص را به شکل خودشان کشیده‌اند و با اصطلاح امروز « پرتره سازی » در میان آنها رونق یافت . خصوصیت دیگر این که سابقاً صفحات کتاب را مصور میکردند برای اینکه داستانهای آن کتاب بهتر فهمیده شود . مثلاً در کتاب شاهنامه جنگ تورانیان و ایرانیان ، در خمسه‌ی نظامی ، داستان لیلی و مجنون ، در کلیله و دمنه ، داستان چهار رفیق را مصور مینمودند . ولی در مکتب هند و ایرانی بیشتر تصویر امرا و پادشاهان و زن‌ها و مردهای دربار و علماء و سرداران و حتی نقاشان مورد توجه بود و سعی میشد طوری شکل آنها را بسازند که شناخته شوند و دیگر این صفحات به کتابهایی مربوط نبود بلکه صفحات مجزایی بود که بصورت

گرفت . در این مرقع صفحات دیگری دیده میشود که کار بهزاد
و عبدالصمد است .

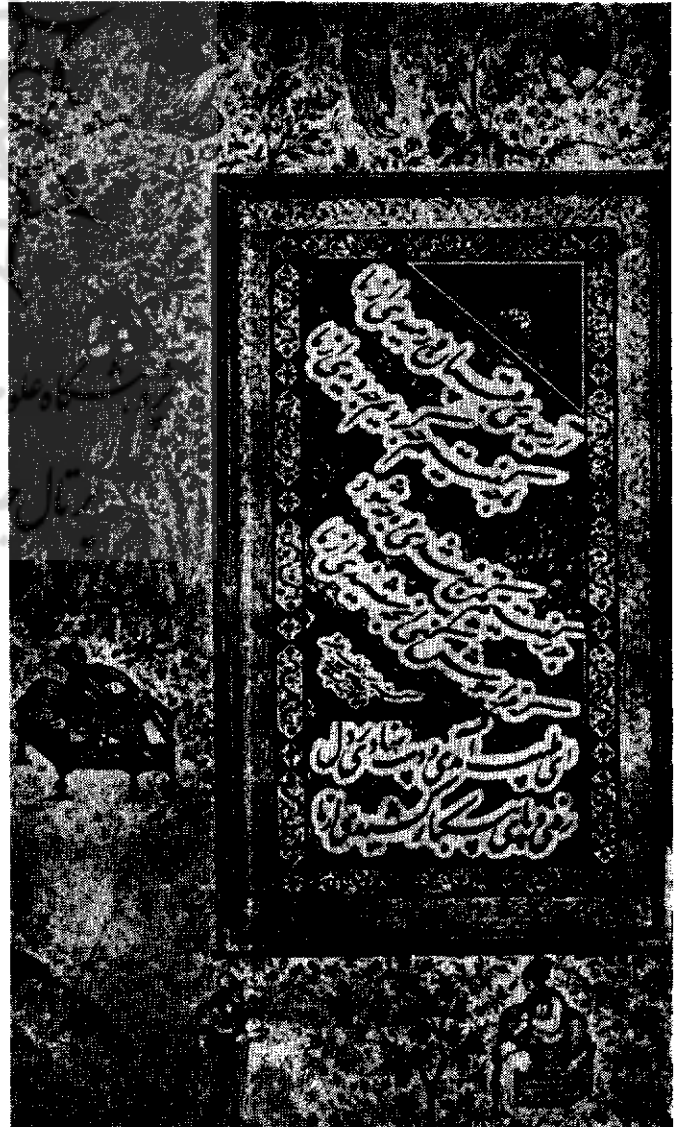
برای اینکه تمام تصاویر مرقع تقریباً يك اندازه و یکنواخت
شوند جهانگیر صفحات نقاشی را روی برگ‌های کاغذ ضخیمی
چسبانیده و دستور داده است اطراف و حواشی آنرا با نقوش
تزیین کنند و در مواردیکه امروز ما بآن توجه داریم حواشی
از اصل نقاشیها زیباتر شده و خود بصورت شاهکارهایی درآمده .
در این مقاله فقط يك صفحه را با حواشی نشان میدهم تا معلوم
شود حواشی بچه طریق در اطراف صفحه اصلی نقاشی شده‌اند
و سپس هر يك از حواشی را جداگانه نشان خواهیم داد . این
حواشی تعداد کمی از نقاشان مکتب هند و ایرانی را معرفی
خواهد کرد و ما را با سابق کار آنها آشنا خواهد نمود . (شکل ۱)
مثلاً باین وسیله خواهیم دید که آقا رضا نقاش جوان
دیگری بود که از ایران به هند مهاجرت کرده در خدمت جهانگیر
درآمد و پسرش ابوالحسن از نقاشان معروف دربار جهانگیر
شد . و نیز خواهیم دید که دولت نقاش دیگری از ایران است که



راست : شکل ۱

بالا : شکل ۲

بائین : شکل ۳



نوشته‌های این صفحه بقرار زیر است :
 آرمیدی برقییان و رمیدی از ما
 ما چه گفتیم چه کردیم چه دیدی از ما
 جور گفتم مکن و تند شدی وه چه شود
 که فراموش کنی آنچه شنیدی از ما
 ای طیب آمدی و دست نهادی بردل
 رفتی و پای بیکبار کشیدی از ما
 در بالای این صفحه مردی با ریش بلند و موی مشکی
 دوزانو نشسته وبا پر غاز چیزی در روی صفحه‌ای مینویسد .
 (شکل ۲) روی صفحه عبارات زیر خوانده میشود :

شاه سلیم غلام با اخلاص

آقا رضای مصور

فی تاریخ رمضان ۱۰۰۸

این تصویر را با کارهای بهزاد و شاگردانش مقایسه کنیم
 و خواهیم دید که کاملاً تازگی دارد . بنا بر این آقارضا توانسته
 است خود را از قید تقلید استاد خارج کند و با ایجاد خطوط
 و منحنی‌ها و چین‌های لباس و نشان دادن شخص در حال دوزانو
 سبک جدیدی بوجود بیاورد. جهانگیر پیش از رسیدن پادشاهی ،
 شاه سلیم نامیده میشد (شکل ۳) - در این مقاله تصویر دیگری
 از همین حاشیه را نشان میدهم که کتابی در دست دارد و روی



شکل ۴

سهم بزرگی در تشکیل مکتب نقاشی هندوایرانی داشته و تخصص
 او در صورت سازی بوده است . شکل یک یکی از صفحات
 خوشنویس معروف (علی‌الکتاب السلطانی) را نشان میدهد .

شکل ۷



شکل ۶



شکل ۵



یکی از صفحات کتاب امضای آقارضا دیده میشود. احتمالاً شکل ۴ که زنی را در حال ساختن گلاب نشان میدهد و شکل ۵ که زنی را در حال آوردن گل‌های سرخ و تهیه گلاب نقش نموده نیز از کارهای آقارضا میباشد.

صفحه دیگری از همین مرقع گلشن، کار دولت، نقاش معروف دربار جهانگیر است. شکل ۶ نیز از کارهای «دولت» است که جهانگیر را نشان میدهد. مقایسه این تصویر با نقاشیهای مکتب هرات اختلاف زیاد دارد. رنگ جای خود را بخطر داده، سایه و روشن بوجود آمده سعی شده است شکل جهانگیر را دقیقاً طوری بسازند که شناخته شود.

شکل ۷ هم کار دولت است. این شکل نقاش جوانی را نشان میدهد که مشغول کار است و روی صفحه‌ای که در دست دارد نوشته شده شبیه ابوالحسن از عمل فقیر دولت.

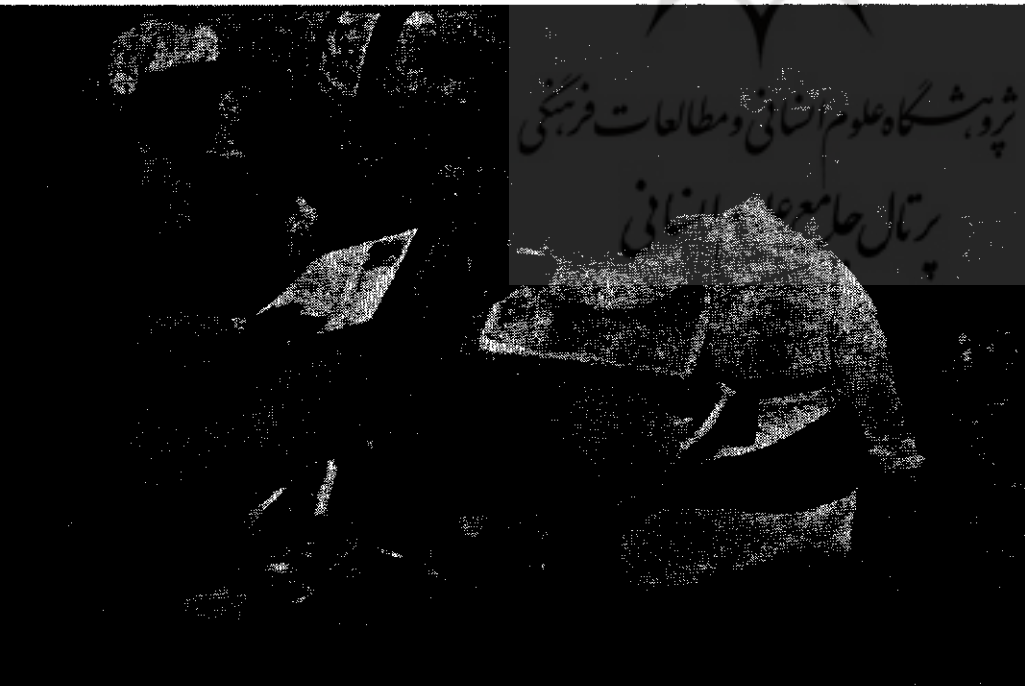
ابوالحسن پسر آقارضاست و نقاش خوبی بوده و جهانگیر باو بسیار علاقه داشت و باو لقب نادرالزمان داده بود.

شکل ۸ - منوهر نقاش هندی را نشان میدهد که زیر نظر دولت کار میکرده است. منوهر نیز نقاش معروفی است و در مرقع گلشن کارهای زیاد دارد. روی کاغذی که در دست دارد نوشته شده شبیه منوهر از عمل دولت.



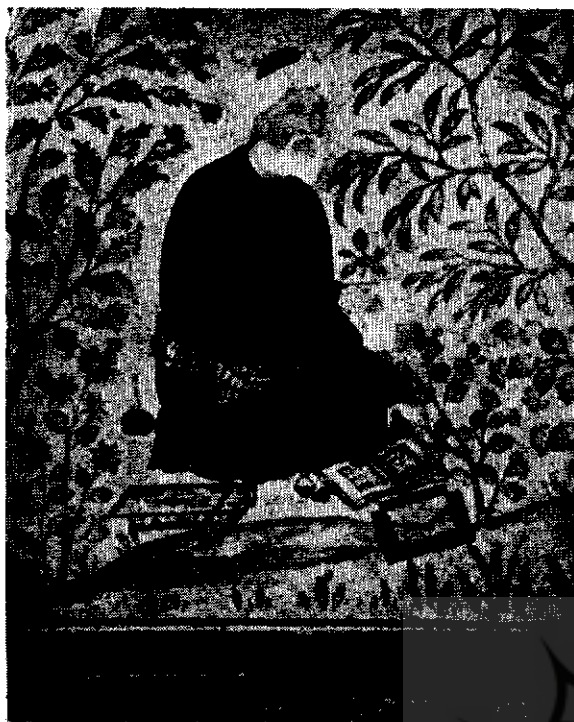
شکل ۹

شکل ۱۰

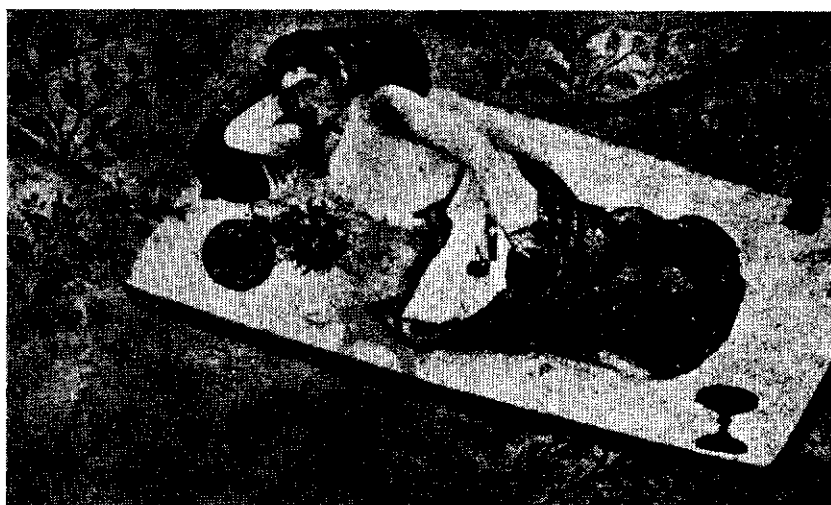


شکل ۸





راست : شکل ۱۱
بالا : شکل ۱۴
پائین : شکل ۱۳



شکل ۹ - بشنداس نقاش معروف هندی را نشان میدهد که او نیز زیر نظر دولت کار میکرده است . بشنداس بسیار معروف است و بیکبار از طرف جهانگیر با تفاق سفیر کبیری ، بدربار شاه عباس آمده و چند تصویر از او تهیه کرده برای جهانگیر بعنوان یادگار برده است .
روی کاغذی که در دست دارد نوشته شده شبیه بشنداس برادرزاده آنها مصور عمل دولت .

شکل ۱۰ - شبیه دوتقاشی دیگر را نشان میدهد . در طرف راست روی برگه که نقاش در دست دارد نوشته شده شبیه کوردهن عمل دولت . و روی ورقی که نقاش طرف چپ در دست دارد نوشته شده الله اکبر - بحکم شاه جهانگیر - نقش این تصویر - نمود بنده دولت - شبیه خود تحریر - قائله وراقمه - فقیر الحقیق - دولت .

شکل ۱۱ - جوانی را نشان می دهد که در دست کتابی دارد و روی صفحه کتاب نوشته شده ، عمل کمترین خانه زاد ، دولت .
شکل ۱۲ - شخصی را نشان میدهد که ورق کاغذی در دست دارد و روی آن نوشته شده ازو دوری نمودم . چه لاف مهرزوم که خاک بر سرم باد - بر محبت من - مشفق کمترین بنده ها دولت .

شکل ۱۳ - جوانی را در حال نشسته نشان میدهد که کتابی در پیش آن است و روی آن عبارت زیر نوشته شده :
(راقم فقیر الحقیق محمد فی شهر ذیقعدہ ۱۰۱۸ - چهار سال بعد از جلوس جهانگیر بر تخت پادشاهی).
تصور می رود نویسنده ی این مقاله موفق شده باشد بطور اجمال چند نقاش ایرانی و همکاران هندی آنها را که در دربار همایون و جهانگیر پادشاهان هند در اوایل قرن یازده هجری کار میکرده اند معرفی نماید .

